



پژوهشنامه حقوق کیفری

سال نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

شماره پیاپی ۱۸

حضور بودن محاکمه و استثنائات وارد بر آن در دیوان کیفری بین‌المللی

دکتر محمدحسین رضانی قوام آبادی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۲

چکیده

حضور در جلسه دادرسی حق متهم است. اسناد بین‌المللی زیادی چنین حقی را در فرآیند دادرسی مورد شناسایی قرار داده‌اند. اکثر محاکم کیفری بین‌المللی، محاکمه حضور را اصل و محاکمه غیابی را استثناء تلقی کرده‌اند. چنین رویکردی متأثر از ماهیت دادرسی اتهامی حاکم بر محاکم کیفری بین‌المللی است. دیوان کیفری بین‌المللی با تدوین قواعد آیین دادرسی و ادله جدید امکان تقاضای عدم حضور در برخی از جلسات دادرسی را برای بعضی از متهمینی که مکلف به انجام مشاغل عمومی فوق‌العاده در عالی‌ترین سطح ملی هستند فراهم می‌کند. شناسایی چنین امکانی برای این افراد به صورت مجزا در کنار سایر متهمین؛ ابهامات و پرسش‌هایی را بر می‌انگیزد که گویی اصل برابری متهمین در مقابل دیوان کیفری بین‌المللی را بر هم زده است. این تحقیق در پی تجزیه و تحلیل رویه دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص اصل حضوری بودن محاکمه و استثنائات وارد بر آن در پرتو اساسنامه و قواعد آیین دادرسی و ادله جدید دیوان است.

واژگان کلیدی: متهم، محاکمه غیابی، اخلال در دادرسی، دادرسی منصفانه، دیوان کیفری بین‌المللی

✉ ramazanihavam@yahoo.com

۱. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

معمولاً محاکمه حضوری در مقابل محاکمه غیابی^۱ به کار می‌رود. به‌طور کلی خاستگاه اصلی محاکمه حضوری و غیابی را باید در سیستم‌های مهم دادرسی کیفری جستجو کرد. سیستم اتهامی که در نظام کامن‌لا وجود دارد شاکی و متهم باید حضور داشته باشند و با حضور آنها دادرسی دنبال می‌شود. در حالی که سیستم تفتیشی در نظام رومی-ژرمنی قاضی تحقیق دلایل له و علیه متهم را جمع‌آوری می‌کند. در واقع در سیستم اتهامی نوعی دوئل بین طرفین (شاکی و متهم) در جریان است. ماهیت ترافعی بودن این سیستم ایجاب می‌کند تا متهم در دادرسی حضور داشته باشد.

سیستم‌های دادرسی اتهامی و تفتیشی از نخستین سیستم‌هایی بودند که در آیین دادرسی کیفری مطرح شدند. سیستم دادرسی اتهامی بیشتر در حکومت‌های دمکراتیک نضج یافت و بیشتر بر رعایت حقوق و آزادی‌های فردی تکیه می‌شد. در مقابل سیستم تفتیشی در حکومت‌های مستبد شکل گرفت و بیشتر بر حفظ منافع حاکمیت تأکید داشت. پر واضح است در نظام‌های دادرسی مبتنی بر سیستم اتهامی به جهت حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی بشر بر محور علنی بودن و تدافعی بودن محاکمات استوار است و در آن شاکی و متهم آزادی کامل در اقامه دعوا و دفاع را دارا می‌باشند. حال آنکه در نظام تفتیشی اقامه شکایت بر عهده شاکی نمی‌باشد و در جرایم عمومی تعقیب موضوع کیفری و تحقیق و جمع‌آوری دلایل به عهده قاضی تحقیق است (گلدوست جویباری، ۱۳۹۵: ۲۳-۳۲).

کشورها با توجه به خاستگاه حقوقی که دارند محاکمه غیابی را مورد تأیید قرار داده‌اند. پس در کشورهای پیرو حقوق عرفی و کامن‌لا معمولاً محاکمه حضوری است و در کشورهای پیرو حقوق نوشته و رومی ژرمنی محاکمه غیابی تجویز شده است. البته این بدان معنی نیست که در نظام حقوقی کامن‌لا به صورت مطلق العنان اصل بر حضوری بودن محاکمه است و به هیچ‌وجه محاکمه غیابی برگزار نمی‌شود.

هر یک از مدافعین و منتقدین دادرسی حضوری یا غیابی دلایلی را برای دفاع از نظریه خود بیان می‌کنند که در جای خود قابل تأمل است. (آقایی جنت مکان، ۱۳۸۹: ۸-۴) هر دو گروه موافق و مخالف دادرسی غیابی ادعای اقتضای عدالت و مصالح عمومی را مطرح می‌نمایند. گروه موافق محاکمه غیابی، بر رسیدگی در اسرع وقت و بدون درنگ تکیه دارند و آن را به نوعی در راستای منافع و مصالح عموم و اجرای عدالت می‌دانند. تأخیر در رسیدگی می‌تواند موجب مشکلاتی در مرحله اثباتی گردد چه اینکه با گذشت زمان امکان از بین رفتن دلایل و شواهد مثبته جرم می‌شود و یا دسترسی به آن را مشکل می‌سازد. گروه مخالف محاکمه غیابی به سهم خود دیدگاه دیگری

1. in absentia

دارند و بر نقش محوری و کلیدی متهم در فرآیند کیفری تأکید می‌کنند. به نظر ایشان اقتضای عدالت ایجاب می‌کند که متهم در جلسه دادرسی حضور داشته باشد چه اینکه این حضور می‌تواند در کشف سریع حقیقت مؤثر باشد.

بررسی زمینه‌های اولیه دادرسی حضوری در حقوق موضوعه را باید در تضمین حقوق متهم در قالب دادرسی منصفانه جستجو کرد (کیتی شیایزری، ۱۳۸۳: ۵۴۱-۵۴۲). توسعه و ارتقای حقوق بشر جنبه‌ها و ابعاد تازه‌ای پیدا کرده که همه این تحولات بر رویکرد کرامت‌مدار و حفظ حقوق فرد در عرصه ملی و بین‌المللی دلالت دارد. یکی از جلوه‌های مهم حمایت از فرد «دادرسی منصفانه» است. در نوشته‌های حقوقی دادرسی منصفانه تحت سه عنوان دیده می‌شود: الف) دادرسی منصفانه به معنی رعایت تشریفات قانونی^۱ نامیده می‌شود. اولین قانون اساسی آمریکا مقرر می‌دارد: «هیچ کس [...] بدون رعایت تشریفات قانونی از حیات، آزادی و مالکیت محروم نمی‌شود.» ب) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین میثاق حقوق مدنی و سیاسی موضوع حق بر دادرسی منصفانه^۲ را در راستای حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بکار می‌گیرد. ج) در نوشته‌های حقوق دانان ایتالیایی و اسپانیایی تعبیر گارانتیسم^۳ استفاده می‌شود که شامل تضمین حقوق فرد متهم در مراحل رسیدگی و پس از آن یعنی در مرحله اجرای محکومیت کیفری است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۶: ۸).

گفتمان غالب حقوق بشر در عصر جدید با تدوین منشور جهانی حقوق بشر تبلور یافت و علاوه بر حقوق بشر به حوزه حقوق بشردوستانه نیز توسعه پیدا کرد. در عرصه حقوق بین‌الملل کیفری اساسنامه دادگاه نظامی بین‌المللی نورمبرگ در ماده ۱۶ خود به «دادرسی منصفانه متهمین» اختصاص یافت. حقوق حمایتی مندرج در این ماده فقط به متهم اختصاص داشت اما تحولات بعدی جامعه بین‌المللی به تدریج به این سمت و سو گرایش پیدا کرد که حقوق حمایتی مزبور باید از متهم به قربانی و شهود تعمیم پیدا کند. بی‌تردید نضج مطالعات جرم‌شناسی در عرصه ملی در تحولات مذکور بی‌تأثیر نبوده است. اساسنامه‌های محاکم کیفری ویژه و اساسنامه رم ۱۹۹۸ شاهدهی بر تسری حقوق حمایتی از متهم به قربانی و شهود است.

حضوری بودن محاکمه در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی به‌عنوان یک اصل شناخته می‌شود و محاکمه غیابی به‌عنوان یک استثناء است. دادگاه نظامی بین‌المللی نورمبرگ^۴ اولین محکمه‌ای از

1. Due process of law

2. Procès équitable

3. Garantisme

۴. دادگاه نورمبرگ در شرایط خاص بعد از جنگ جهانی دوم و توسط متفقین ایجاد شد و به همین جهت نیز به آن دادگاه دول پیروز نسبت داده‌اند. در کنار ایرادات متعددی که تاکنون به دادگاه نورمبرگ وارد شده می‌توان از تجویز

این نوع بود که محاکمه غیابی را در مورد جنایات تحت صلاحیت خود یعنی جنایات علیه صلح، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت مورد پذیرش قرار داد. دادگاه نظامی بین‌المللی خاور دور یا همان دادگاه نظامی توکیو با گرت‌برداری از اساسنامه دادگاه نظامی بین‌المللی نورمبرگ اصلی که به موجب آن محاکمه‌ی متهم با حضور یا در غیابش بعمل می‌آید را مورد شناسایی قرار داده است. بر طبق ماده ۱۲ منشور دادگاه توکیو اگر متهم یا وکیل وی نظم دادگاه را بهم بزند قاضی می‌تواند او را از دادگاه اخراج کند و رسیدگی را بدون حضورش دنبال نماید. یا در موردی که شرایط محاکمه حضوری فراهم نباشد که در این صورت محاکمه در غیاب متهم برگزار می‌شود (Mignot- Mahdavi, 2014: 31-32). در حال حاضر دادگاه ویژه لبنان^۲ به‌عنوان محکمه کیفری مختلط است که بعد از دادگاه نظامی بین‌المللی نورمبرگ به‌طور صریح محاکمه غیابی را در اساسنامه خود^۳ درج نمود (Ascensio et Maison, 2009: 354).

احکام غیابی این دادگاه نیز یاد کرد. دادرسی غیابی به معنای مطلق خود در دادگاه مزبور به این معنا است که متهم در هیچ یک از جلسات دادرسی حضور نداشته باشد.

۱. ماده ۱۲ اساسنامه دادگاه نورمبرگ مقرر می‌داشت که «دادگاه [نظامی بین‌المللی نورمبرگ] برای رسیدگی به جنایات پیش‌بینی شده در ماده ۶ این اساسنامه در غیاب متهم، خواه در صورت یافت نشدن متهم یا به هر دلیل دیگری که دادگاه بنا به اقتضای عدالت رسیدگی در غیاب متهم را ضروری تشخیص دهد، صالح خواهد بود.»
 ۲. بعد از سوءقصد به‌جان رفیق حریری نخست وزیر وقت لبنان در سال ۲۰۰۵ که منجر به مرگ وی گردید به درخواست دولت لبنان و با همکاری سازمان ملل «دادگاه ویژه لبنان» تاسیس شد. این دادگاه نسبت به اقدامات تروریستی مربوطه در لبنان صلاحیت دارد (Lelarge, 2007: 397-398). اساسنامه این دادگاه، محاکمه غیابی مطلق را در عداد اختیارات دادگاه ویژه لبنان قرار داده است. علت وجودی چنین تاسیسی در اساسنامه دادگاه ویژه لبنان را می‌توان اولاً در پذیرش محاکمه غیابی در حقوق داخلی این کشور جستجو کرد چه اینکه این کشور تابع سیستم رومی-ژرمنی است. در ثانی حزم و احتیاط تدوین‌کنندگان اساسنامه دادگاه مذکور به جهت احتمال عدم همکاری برخی از کشورها با دادگاه ویژه لبنان نسبت به تحویل متهمین جنایات مزبور بوده است. برای اطلاعات بیشتر نک به: (بیگزاده، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۸۵)

۳. بر اساس ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان «۱- دادگاه محاکمه غیابی متهم را برگزار می‌کند که وی: الف- به طور صریح و کتبی از حق حضور خود انصراف داده باشد؛ ب- وسط مقامات دولت ذی‌ربط به دادگاه تحویل داده نشده باشد؛ ج- فرار کرده باشد یا یافت نشود و تمام اقدامات معقول به منظور تأمین حضور وی نزد دادگاه و یا مطلع ساختن وی از اتهامات تأییدشده توسط قاضی علیه وی، انجام گرفته باشد. ۲- دادگاه محاکمه غیابی متهم را در صورتی برگزار می‌کند که: الف) متهم از صدور کیفرخواست مطلع باشد یا کیفرخواست حضوراً به وی ابلاغ شده باشد یا اینکه از طریق انتشار در رسانه‌ها یا مکاتبه با کشور محل اقامت یا کشوری که متهم تبعه آن است، از صدور آن آگاهی یافته باشد؛ ب) متهم وکیل را برای خود انتخاب کند، وکیل که به هزینه خود متهم و در صورت عدم توان به هزینه دادگاه از وی دفاع نماید، ج) در صورتی که متهم قادر یا مایل به انتخاب وکیل نباشد، وکیل توسط دفتر دفاع دادگاه برای حصول

در سایر محاکم کیفری بین‌المللی اصل را بر دادرسی حضوری گذاشته است. به عبارت دیگر در دو محکمه یاد شده محاکمه غیابی به‌طور صریح تجویز شده است اما در محاکم کیفری بین‌المللی یا مختلط دیگر تنها به اصل حضوری بودن محاکمه اشاره شده است. پرسش‌های زیادی حول این موضوع مطرح می‌شود که آیا تصریح بر حضوری بودن محاکمه به معنای نهی یا نفی غیابی بودن محاکمه تلقی می‌شود؟ مراد از حضوری بودن محاکمه، حضور موثر و مستمر است؟ آگاهی از محل و تاریخ جلسه دادرسی و عدم حضور در جلسه به معنی دادرسی حضوری است یا غیابی؟ آیا تنها با یک بار حضور متهم در جلسه دادرسی، محاکمه وی را باید محاکمه حضوری تلقی کرد؟

پیش‌بینی محاکمه غیابی در اساسنامه محکمه‌ای همچون دادگاه ویژه لبنان موجب موضع‌گیری و واکنش برخی از سازمانهای بین‌المللی غیردولتی همچون عفو بین‌الملل گردید. از آنجا که اکثر محاکم کیفری بین‌المللی معاصر محاکمه غیابی را به رسمیت نمی‌شناسند پیش‌بینی چنین مقرره-ای در اساسنامه را نوعی عقب‌گرد تلقی کرده‌اند که موجب عدم رعایت و تضییع حقوق متهم خواهد شد. حضور متهم در دادگاه و پاسخ به اتهامات مطروحه یکی از حقوق اساسی متهم در فرآیند کیفری و دادرسی منصفانه می‌باشد. محاکمه حضوری، تضمینی برای دفاع از حقوق متهم در فرآیند کیفری است.

توسعه گفتمان حقوق بشر و دادرسی منصفانه در عرصه بین‌المللی با تدوین ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی رقم خورد و بیشتر بر حاضر بودن متهم در دادرسی به‌عنوان یکی از تضمینات حداقلی مورد توجه قرار گرفت. برخی از حقوقدانان همانند «تئودور مرون» اعتقاد دارند که حضور متهم در جلسه دادرسی محاکم کیفری بین‌المللی جنبه عرفی دارد (Meron, 1989: 88). در کارهای مقدماتی مربوط به تدوین اساسنامه رم ۱۹۹۸ برای تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، اصل حضوری بودن یا غیابی بودن به‌عنوان یکی از بحث‌انگیزترین مطالبی بود که بین مذاکره‌کنندگان پیرو دو نظام حقوقی رومی-ژرمنی و کامن‌لا مطرح گردید. بی‌تردید هر دو نظام حقوق نوشته و حقوق عرفی در تدوین اساسنامه و قواعد آیین دادرسی محاکم کیفری بین‌المللی مؤثر بوده‌اند. در همان زمان تدوین منشور لندن هم این موضوع به‌نحوی مطرح بوده است. دول متفق خاستگاه حقوقی متفاوتی داشتند. آمریکا و انگلستان تابع سیستم اتهامی مندرج در کامن‌لا و فرانسه نیز مبتنی بر سیستم حقوق نوشته بود. اتحاد جماهیر شوروی هم سیستم خاص خودش را داشت. در نتیجه در تدوین اساسنامه دادگاه نظامی بین‌المللی نورمبرگ دول متفق تلاش کردند که

اطمینان از دفاع از منافع و حقوق وی انتخاب می‌گردد. ۳- در صورت محکومیت غیابی، متهمی که وکیلش را خودش تعیین نکرده باشد حق دارد با حضورش مجدداً محاکمه شود مگر اینکه رای صادره را بپذیرد.»

آشتی و مصالحه‌های بین سیستم‌های مختلف حقوقی برای نیل به آیین دادرسی مختلط ایجاد کنند (Bassiouni, 2002: 642).

استثنائات زیادی تاکنون مطرح شده تا از آن طریق بتوان جلسه رسیدگی را بدون حضور متهم برگزار کرد. عمده‌ترین این استثنائات مربوط به وضعیت سلامت متهم، اخلاف مستمر در برگزاری جلسه دادرسی، فرار متهم و عدم تحویل متهم به دادگاه می‌باشد که عملاً برگزاری جلسه دادرسی حضوری را با مشکل روبرو می‌سازد.

در رویه عملی محاکم کیفری بین‌المللی چه در محاکم کیفری ویژه و چه در دیوان کیفری بین‌المللی موضوع حضور متهم در دادرسی به‌نحوی مطرح شده است. موضوع عدم حضور متهم در بخشی از دادرسی اخیراً در مورد وضعیت کنیا در دیوان کیفری بین‌المللی مطرح شد. با بی‌نتیجه ماندن اقدامات دولت کنیا جهت مقابله با وضعیت مطروحه کنیا در دیوان کیفری بین‌المللی به خاطر حوادث بعد از انتخابات ۲۰۰۷ این کشور و همچنین عدم موفقیت در فعال سازی سازکار مندرج در ماده ۱۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به‌منظور تعلیق وضعیت مزبور از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد، این کشور تلاش کرد از طریق رایزنی در مجمع دولت‌های عضو دیوان در راستای تغییر قواعد آیین دادرسی و ادله گام بردارد و بتواند مانع حضور مستمر رئیس‌جمهور و معاون رئیس‌جمهور کنیا در جلسات دادرسی شود. شاید بتوان اصلاح ماده ۱۳۴ آیین دادرسی و ادله دیوان در سال ۲۰۱۳ را محصول چنین رایزنی دانست. ماده ۱۳۴ آیین دادرسی و ادله دیوان در قالب سه بند مکرر (۲/۱۳۴) (حضور متهم از طریق ویدئو)، ۳/۱۳۴ (معافیت از حضور در دادرسی) و ۴/۱۳۴ (معافیت از حضور به علت مشاغل عمومی فوق‌العاده) اصلاح گردید. ماده ۴/۱۳۴ به نحوه درخواست متهم و شرایط آن جهت عدول و معافیت از دادرسی حضوری اشاره می‌کند. تدوین قواعد جدید پرسش‌ها و ابهامات زیادی بر می‌انگیزد. لذا در این تحقیق تلاش می‌شود دادرسی حضوری (۱) و استثنائات وارد بر آن (۲) و همچنین قواعد جدید آیین دادرسی و ادله دیوان و شرایط معافیت از حضور در دادرسی (۳) و مطابقت این قواعد با مقررات اساسنامه دیوان کیفری (۴) مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۱. دادرسی حضوری: رویکرد غالب در محاکم کیفری بین‌المللی

فصل ۶ اساسنامه رم در دو جا بر حضوری بودن دادرسی تأکید دارد: الف) بند اول ماده ۶۳ اساسنامه (حضور بودن دادرسی به‌عنوان یک اصل)؛ ب) زیر بند د بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه (حاضر بودن متهم در دادرسی به‌عنوان یک حق).

مقایسه مفاد مواد ۶۳ و ۶۷ اساسنامه در مورد حضوری بودن دادرسی گویای ارتباط بین آن دو ماده است. هر دو ماده ذیل فصل ۶ اساسنامه یعنی «محاکمه» آمده است. ماده ۶۳ زیر عنوان «محاکمه حضوری متهم» و ماده ۶۷ زیر عنوان «حقوق متهم» است. در هر دو ماده از متهم یاد شده و هیچ اشاره‌ای به مظلون^۱ نشده است. همان طور که قبلاً نیز ذکر شد بند نخست ماده ۶۳ ناظر به اصل بودن محاکمه حضوری متهم است و بند ۲ موارد استثناء را بیان می‌دارد. در آنچه که مربوط به حقوق متهم مندرج در ماده ۶۷ اساسنامه است می‌توان گفت که این حقوق علاوه بر متهم به مظلون هم تسری پیدا می‌کند. در زیر بند «د» بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه مقرر شده «با رعایت مقررات بند ۲ ماده ۶۳ متهم در جلسه محاکمه‌اش حاضر است.» تضمین حقوق حداقلی متهم در ماده ۶۷ مستلزم رعایت قاعده کلی حضوری بودن محاکمات است و هرگونه اختلالی در جلسه دادرسی از طرف متهم می‌تواند مشارالیه را با عواقب ناشی از آن روبرو سازد.

ماده ۶۷ اساسنامه دیوان حضوری بودن دادرسی را به‌عنوان یک حق حداقلی برای متهم در فرآیند دادرسی کیفری معرفی می‌نماید. این ماده در راستای تحقق دادرسی منصفانه است که خود مقتبس از ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌باشد. ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «۱- در زمان بررسی اتهامات علیه متهم، مشارالیه حق دارد که با رعایت مقررات این اساسنامه به‌صورت علنی، منصفانه و بی‌طرفانه و با رعایت حداقل تضمینات زیر در مساوات کامل محاکمه شود: الف) به زبانی که متهم کاملاً درک کرده و با آن صحبت می‌کند در کمترین زمان و به‌صورت مشخص از ماهیت، سبب و محتوای اتهاماتش مطلع گردد؛ ب) وقت کافی و امکانات لازم به او داده شود تا دفاع خود را تدارک بیند و آزادانه و محرمانه با وکیل مدافعی که خود انتخاب می‌کند، ارتباط داشته باشد؛ ج) بدون تأخیر غیرموجه محاکمه شود؛ د) با رعایت بند ۲ ماده ۶۳ و به‌منظور انجام امر دفاع شخصاً یا از طریق وکیل مدافع به انتخاب خودش در محاکمه حضور یابد و مطلع شود که اگر وکیل مدافع ندارد حق داشتن وکیل که دیوان در صورت ضرورت و اقتضای عدالت بدون هزینه اگر توان مالی برای پرداخت هزینه‌های مربوطه را نداشته باشد فراهم می‌کند، بهره‌مند شود؛ ه) از شهودی که علیه وی معرفی شده‌اند رأساً یا توسط دیگری سوال نماید و مطابق همان شرایطی که شهود علیه وی

۱. مظلون در واقع به کسی گفته می‌شود که اتهامات وارده نسبت به وی هنوز توسط قاضی مقدماتی به تایید نرسیده در حالی که متهم به فردی اطلاق می‌گردد که اتهامات مربوطه توسط قاضی مزبور مورد تایید قرار گرفته است. بر این اساس می‌توان گفت هر متهمی لزوماً مجرم نیست مگر اینکه جرم وی توسط دادگاه صالح ثابت شود. با اثبات جرم انتسابی می‌توان او را مجرم و با صدور حکم و قطعی شدن آن محکوم نامیده می‌شود.

داشته‌اند، شهود خود را در جلسه حاضر کرده و از آنها سؤال شود. متهم همچنین حق دارد به ابزار دفاعی و سایر ادله قابل پذیرش مطابق این اساسنامه استناد کند؛ و) اگر رسیدگی دیوان و یا مدارکی که در محاکمه ارائه می‌شود به زبان دیگری غیر از زبانی است که متهم کاملاً درک کرده و صحبت می‌کند، باشد، متهم به صورت رایگان از مساعدت مترجم صلاحیتدار و همچنین ترجمه-های ضروری برای یک محاکمه منصفانه لازم است، بهره‌مند می‌شود؛ ز) متهم مجبور به ادای شهادت و یا اعتراف به مجرمیت نیست و می‌تواند سکوت اختیار کند بدون این‌که این سکوت به منزله مجرمیت یا براءت تلقی شود؛ ح) می‌تواند لایحه‌ای کتبی یا بیانیه‌ای شفاهی بدون این‌که سوگند یاد کند، ارائه دهد؛ و ط) هیچ‌گونه تکلیف متقابلی در جهت اثبات ادله و یا تکلیف در رد آنها بر متهم تحمیل نمی‌شود. ۲- علاوه بر موارد دیگری که در این اساسنامه راجع به ارائه مستندات به متهم مقرر شده، دادستان باید به محض آن‌که امکان پذیر شد، مستندات را که در اختیار و یا تحت کنترل خود داشته و معتقد است که مبین بی‌گناهی متهم است و یا مجرمیت وی را تخفیف می‌دهد و یا بر اعتبار مستندات بازجوئی تأثیر می‌گذارد، به متهم ارائه دهد. در صورت تردید در شمول یا عدم شمول این بند، اتخاذ تصمیم با دیوان خواهد بود.»

تضمینات احصاء شده برای متهم در ماده ۶۷ از گستره زیادی برخوردار است چه اینکه برخی از این تضمینات مربوط به قبل از محاکمه و برخی دیگر مربوط به حین محاکمه می‌باشد. در اینجا در صدد تبیین همه این حقوق نیستیم بلکه تنها زیر بند «د» بند ۱ ماده ۶۷ مربوط به حضور متهم در دادرسی مورد توجه است. همان‌طور که بیان شد همه این حقوق تحت عنوان تضمینات حداقلی معرفی شده‌اند که برخی از آنها همچون حضور متهم در دادرسی به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده‌اند و در صورت تحقق شرایطی محدود خواهند شد.

اگر حضور متهم در جلسه دادرسی به‌عنوان یک حق تلقی گردد پس در نتیجه دارنده آن حق می‌تواند از حق خود اعراض کند. در صورتی که حضور تعهد تلقی شود و جنبه امری و تکلیفی داشته باشد دیگر اساساً تصور اعراض از آن بدان شکل که گفته شد کاملاً منتفی است. پرسش قابل طرح در اینجا این است که در صورت پیش‌بینی اساسنامه یک محکمه بین‌المللی بر حضوری بودن محاکمه متهم آیا این امر به معنی منع غیابی بودن برگزاری جلسه دادرسی خواهد بود؟ به نظر دو حالت کلی تجویز و ممنوعیت را می‌توان در نظر گرفت. همان‌طور که گفته شد اصل بر حضوری بودن محاکمه است و محاکمه غیابی استثنایی بر اصل مزبور تلقی می‌شود. زمانی که دسترسی به متهم وجود ندارد در این حالت محکمه کیفری که محاکمه غیابی را تجویز کرده است می‌تواند در صورت صلاحدید و شرایط مندرج در اساسنامه و قواعد آیین دادرسی‌اش اقدام به برگزاری محاکمه غیابی نماید. به‌واقع رسیدگی غیابی به منزله جایگزین محاکمه حضوری تلقی می‌گردد. این چنین

وضعیتی را در دادگاه نظامی نورمبرگ و دادگاه ویژه لبنان مشاهده می‌کنیم. آنچه مسلم است در اساسنامه‌هایی که حتی به صورت مستقیم بر حضوری بودن محاکمات صراحت دارد نمی‌توان به این اصل به دیده اطلاق نگریست چه اینکه اقتضای دادرسی در عمل در بعضی موارد ایجاب می‌کند تا رسیدگی در غیاب متهم برگزار شود. ممکن است در خود اساسنامه به استثنائات وارد بر اصل حضوری بودن محاکمه اشاره شود و یا در غیر این صورت رویه قضایی خود محکمه مشخص خواهد کرد در چه مواردی می‌توان از اصل مزبور عدول کرد. در اجراء قضات محکمه با تفسیری که از مفاد اساسنامه یا قواعد آیین دادرسی بعمل می‌آورند رویکرد مرجع مزبور نسبت به این موضوع مشخص خواهد شد. تفسیر مضیق از مفهوم حضوری بودن دادرسی مانع توسل به محاکمه غیابی می‌شود و به همین جهت نیز متهم با تمسک به دلایل واهی به راحتی می‌تواند از حضور در پیشگاه مرجع قضایی امتناع ورزد. رویه قضایی محاکم کیفری بین‌المللی در قضایای گوناگون با وجود تأکید بر حضوری بودن دادرسی در اساسنامه‌شان به نحوی با اقدام خود بر برگزاری محاکمه غیابی مهر تأیید زدند. عدم توجه متهم به احضاریه دادگاه (TPIY, Le procureur c. Tihomir Blaskic, Arrêt relatif à la requête de la République de Croatie aux fins d'examen de la décision de la Chambre de Première Instance II rendue le 18 juillet 1997, 29 octobre 1997: 59) یا عدم حضور متهم در دادگاه به ادعای نبود معیارهای دادرسی منصفانه (TPIR, Nahimana, Ferdinand, Barayagwa, Jean-Bosco, Ngeze et Hassan) (Ngeze (Appelants) c. Le procureur (Intimé), 28 novembre 2007: 113) جملاً از مواردی بوده است که محاکم کیفری بین‌المللی به آن توجه نکرده و آن را دلیلی بر اطلاع متهم از جریان رسیدگی دانسته‌اند. در این صورت محاکمه با رعایت کلیه تضمینات قضایی برای متهم تجویز شده است.

بر این اساس اگر حضور متهم در دادرسی حق است پس لاجرم این حق باید در قالب دادرسی منصفانه و حقوق متهم در فرآیند دادرسی توسط محکمه تضمین گردد. در دادگاه ویژه لبنان که محاکمه غیابی تجویز شده در عمل محکمه مزبور در مقابل دو ضرورت یعنی «محاکمه غیابی بدون حضور متهم» و «دفاع از حقوق متهم» قرار می‌گیرد. شناسایی دادرسی غیابی در اساسنامه دادگاه ویژه لبنان سبب شده تا این محکمه با تأسیس «دفتر دفاع»^۱ از حقوق متهمان غایب دفاع نماید. همان طور که قبلاً اشاره شد رویکرد غالب در محاکم کیفری بین‌المللی دادرسی حضوری است و به جز دادگاه ویژه لبنان و دادگاه نظامی بین‌المللی نورمبرگ، برگزاری محاکمه غیابی در حالی که متهم

1. Bureau de la défense

در هیچ یک از مراحل دادرسی اعم از تحقیقات مقدماتی و رسیدگی حضور پیدا نکرده است را نپذیرفته‌اند.

مشروعیت محاکمه غیابی و پذیرش آن در نظام‌های داخلی و بین‌المللی از طریق حق محاکمه مجدد به شیوه حضور و ایجاد «دفتر دفاع» از حقوق متهمان تضمین می‌شود. قواعد آیین دادرسی و ادله دادگاه ویژه لبنان صور گوناگونی از نحوه حضور متهم یا محکوم پس از برگزاری محاکمات در غیاب وی پیش‌بینی کرده است. به عبارت دیگر با این راهکار تلاش شده حقوق متهمان غایب به نوعی تضمین شود. با توجه به حضور متهم/ محکوم^۱ در هر مرحله از رسیدگی بدوی یا تجدیدنظر و همچنین قبل یا بعد از تعیین مجازات حالات مختلفی قابل تصور است. متهم و یا محکوم غیابی به فراخور حالات فوق می‌تواند دادرسی غیابی را به همان صورت بپذیرد و یا خواستار تجدید محاکمه با حضور وی و یا خواهان تجدیدنظر و اعاده جلسه دادرسی مربوط به تعیین مجازات گردد (Règlement de procédure et de preuve de TSL, 2017: 109).

حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا متهم می‌تواند با آزادی و با رضایت کامل اراده از حضور در جلسه دادرسی خودداری کند و یا به تعبیر دقیق‌تر چه استثنائاتی می‌توان بر اصل حضوری بودن در محاکمه وارد ساخت؟

۲. استثنائات وارد بر اصل حضوری بودن محاکمه در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

بند ۲ ماده ۶۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اخلاف در امر دادرسی را به‌عنوان استثنایی بر حضوری بودن محاکمه معرفی می‌نماید. پرواضح است که استثنائات متعددی می‌تواند در عمل موجب رسیدگی بدون حضور متهم گردد که از آن جمله می‌توان به فرار متهم یا عدم تحویل متهم به محکمه و غیره اشاره کرد.^۲ مطابق مقررات بند ۲ «اگر متهم به صورت مستمر در امر محاکمه اخلاف ایجاد کند، شعبه بدوی می‌تواند دستور اخراج وی را از جلسه بدهد و ترتیبی دهند تا

۱. «متهم» به فردی اطلاق می‌شود که تحت پیگرد است اما به‌طور قطع و یقین نتوان جرم را به وی نسبت داد و باید جرم وی توسط دادگاه صالح ثابت شود. بعد از اثبات جرم وی در دادگاه می‌توان او را «مجرم» نامید. «محکوم» در واقع به مجرمی اطلاق می‌شود که حکم محکومیت وی توسط دادگاه صالح صادر و قطعی شده است.

۲. البته لازم به ذکر است که در قالب مواد دیگر اساسنامه می‌توان به وجود استثنائاتی دیگری همچون حساس بودن اطلاعات از حیث مصالح و امنیت ملی دولت (ماده ۷۲ اساسنامه) و یا برای حمایت از شهود و قربانیان اشاره کرد که بدون حضور متهم برگزار می‌شود. برگزاری چنین جلساتی در شرایط بسیار خاص و محدود بعمل می‌آید. برای اطلاعات بیشتر نک به:

CPI, Le procureur c. Thomas Lubanga Dyilo, chambre de première instance I, Décision relative aux procédures applicables aux démarches accomplies ex parte, 6 décembre 2007, para4.

مشارالیه محاکمه را خارج از جلسه دنبال کند و به کمک وسائل ارتباطی دستورات لازم را به وکیل مدافع خود بدهد. چنین تدابیری تنها در شرایط استثنایی و زمانی که سایر راه‌حل‌های معقول مؤثر نبوده و فقط برای مدت زمان ضروری و لازم اتخاذ می‌گردد.» به عبارت دیگر اساسنامه ضمن شناسایی اصل حضور متهم در دادرسی، استثنائاتی را بر آن قائل می‌شود. قواعد آیین دادرسی و ادله دیوان زیر عنوان اخلال در جلسه دادرسی به این امر می‌پردازد. شعبه بدوی می‌تواند به فردی که جلسه دادرسی را مختل کرده دستور دهد که جلسه دادرسی را ترک یا وی را اخراج کند. در ضمن در صورت تکرار، شعبه مزبور فرد را از شرکت در جلسات منع می‌کند (Règlement de procédure et de preuve de la CPI, 2013: Règle 170).

این استثناء در قالب اخلال در جلسه دادرسی بیان می‌شود و ضمانت اجرای آن نیز اخراج از جلسه دادرسی می‌باشد. بند ۲ ماده مذکور «اخلال مستمر در روند جلسه محاکمه» عاملی می‌داند که به شعبه بدوی این امکان را می‌دهد تا بتواند متهم را از جلسه دادرسی اخراج نماید. برای روشن شدن این موضوع لازم است حقوق و تکالیف متهم و همچنین حدود اختیار دیوان در به‌کارگیری ضمانت اجرای پیشگفته اشاره شود. در آنچه که مربوط به متهم است باید نظم جلسه دادرسی را حفظ کند و در صورت عدم رعایت آن نسبت به آثار و تبعات عمل خود آگاه گردد. دیوان بایستی به‌صورت روشن متهمی که به‌طور مستمر و مکرر در روند جلسه محاکمه اخلال ایجاد می‌کند نسبت به عواقب ناشی از ایجاد اخلال در نظم رسیدگی آگاه سازد. اخراج متهم آخرین راه‌حل است و در صورتی که امکان ادامه و هدایت جلسه رسیدگی از طرف دیوان وجود داشته باشد به این ابزار متوسل نمی‌شود. اگر با اتخاذ تمهیدات لازم و مقتضی توسط دیوان واقعاً ادامه رسیدگی با حضور متهم ممکن نباشد در این صورت اقدام به اخراج متهم می‌کند. با اخراج متهم از جلسه دادرسی باید این امکان فراهم شود تا وکلای مدافع متهم بتوانند دادرسی را دنبال نمایند و از طریق ابزارها و وسایل ارتباطی موجود، متهم بتواند نظرات خود را در اختیار وکلای مدافع بگذارد.

همان‌طور که در مبحث قبل گفته شد حضور متهم در جلسه دادرسی به‌عنوان یکی از حقوق مندرج در ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی محسوب می‌شود. بند د ماده ۶۷ سه موضوع را مطرح می‌کند: الف) حق دادرسی حضوری؛ ب) حق دفاع متهم؛ ج) حق داشتن وکیل. متهم ضمن برخورداری از یکسری حقوق در دوران محاکمه مکلف به رعایت برخی موارد می‌باشد. شان و منزلت و جایگاه محکمه کیفری بین‌المللی ایجاب می‌کند تا متهم به این موضوع توجه داشته و رعایت نماید. تکلیف اصلی و اولیه قضات اتخاذ تدابیر معقول و ضروری برای تضمین دادرسی منصفانه و سریع متهم است. بدین منظور مراجع بین‌المللی تلاش می‌کنند تا موانع موجود

بر سر راه جریان دادرسی منصفانه را مرتفع سازند. حضور متهم بخش اصلی حقوق دفاعی را تشکیل می‌دهد. همان‌طور که بیان شد حضور متهم در جلسه دادرسی با ماهیت تدافعی و دادرسی اتهامی حاکم بر دیوان کیفری بین‌المللی مطابقت دارد. علل گوناگونی می‌تواند رسیدگی و جریان دادرسی را با مشکل روبرو کنند.

دفاع و سکوت در مرحله دادرسی از حقوق متهم است. دفاع در جلسه دادرسی توسط خود متهم یا وکیل‌اش بعمل می‌آید. معمولاً با توجه به ماهیت جنایات بین‌المللی و ابعاد گسترده و وسیع آن عملاً اکثر قضایا توسط وکلای مدافع دنبال می‌شود. دفاع حق متهم است و تحت شرایط و اوضاع و احوال این حق توسط وکیل مدافع اعمال خواهد شد. عدم انتخاب وکیل از طرف متهم به هر دلیل در محاکم کیفری بین‌المللی می‌تواند روند دادرسی را در محکمه مربوطه با مشکل روبرو کند. در این مورد محکمه کیفری باید مقدمات انتخاب وکیل متهم و یا هر تدبیر دیگری را فراهم سازد تا جریان دادرسی به‌خوبی مدیریت گردد تا به رسیدگی سریع و منصفانه لطمه‌ای وارد نشود. عدم توانایی متهم در دفاع مؤثر از خود به سبب بیماری موجب می‌شود تا دیوان کیفری بین‌المللی تدابیر پیشگیرانه‌ای اتخاذ کند که انتخاب وکیل مهمترین تدبیری است که محاکم کیفری بین‌المللی در نظر می‌گیرند.

حضور متهم و دفاع از خود در مقابل اتهامات وارده جنبه نسبی دارد. دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق داشتن حق دفاع را به‌عنوان «سنگ بنای عدالت» (TPIY, Milosevic c. Le) (procureur, Décision de la Chambre d'appel, 1 novembre 2004: para. 11) معرفی می‌کند. این حق می‌تواند توسط خود متهم و یا وکلای وی اعمال گردد. در بعضی از موارد امکان دارد تحت شرایط و اوضاع و احوال خاص، محکمه بر خلاف میل و رضایت متهم اقدام به انتخاب وکلای مدافع نماید (Fernandez et Pacreau, 2012: 1509).

نمونه بارز این امر را در مورد قضیه میلوسویچ در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق وجود داشت. متهم در بدو امر مُصر بود تا دفاع از خود را بدون حضور وکیل مدافع دنبال کند. چنین امری با توجه به وسعت جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق و همچنین ضرورت اعمال دادرسی منصفانه ایجاب می‌کرد تا متهم از کمک وکلای مدافع به انتخاب خودش یا در غیر این صورت توسط دادگاه یوگسلاوی بهره‌مند گردد. خودداری متهم از انتخاب وکیل مدافع می‌توانست دادرسی منصفانه مندرج در اکثر محاکم کیفری بین‌المللی از جمله در اساسنامه دادگاه یوگسلاوی را به چالش بکشد. برای مقابله با این وضعیت محکمه کیفری بایستی تدابیری را اتخاذ نماید تا متهم نتواند از طریق عدم انتخاب وکیل، دادرسی منصفانه حاکم بر فرآیند دادرسی کیفری را تحت الشعاع قرار دهد. اتخاذ چنین تصمیمی با توجه به ماهیت غالب دادرسی اتهامی (TPIY, Le)

procureur c. Milosevic, Décision de la Chambre de première instance, 4 avril 2003: paras.20-24. در دادگاه کیفری یوگسلاوی و اوضاع و احوال حاکم بر قضیه صورت گرفت.

همان‌طور که بیان شد ماده ۶۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اخلاف در دادرسی را به‌عنوان استثنای محاکمه حضوری معرفی می‌کند. ابهام که در اینجا وجود دارد این است که اساسنامه به هیچ‌وجه به مصادیق اخلاف در جلسه محاکمه اشاره نمی‌کند و در نتیجه دست قضات دیوان باز است تا بتوانند با توجه به اوضاع و احوال قضایا مطروحه در دیوان معنا و مفهوم و مصادیق آن را مشخص نمایند. البته لازم به ذکر است که رویه و عملکرد محاکم ملی و بین‌المللی دیگر می‌تواند در امر راهگشا و مورد استفاده قرار گیرد.

اختیار قاضی دیوان نباید در این خصوص به‌نحوی باشد که مانع اعمال حقوق متهم شود. جهت محدود کردن اختیار قاضی و حفظ حقوق دفاعی متهم، اخراج تنها در شرایط استثنایی و ضروری مورد استفاده قرار می‌گیرد. اخراج متهم از جلسه دادرسی جنبه موقت دارد و با تغییر رفتار وی، امکان حضور مجدد متهم فراهم می‌شود. پس قاضی دیوان با توجه به تغییر در رفتار متهم نسبت به تصمیم قبلی خود دال بر اخراج متهم تجدیدنظر می‌کند و به این وسیله شرایط به حالت قبلی باز می‌گردد و امکان حضور متهم در جلسه دادرسی فراهم می‌شود. لازم به ذکر است که تکرار اعمال قبلی توسط متهم مانع از نخواهد شد تا دیوان مجدداً اخراج را در دستور کار خود قرار دهد و از حضور متهم جلوگیری کند.

حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان به استثنای دیگری غیر از اخلاف در روند جلسه دادرسی اشاره کرد؟ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در ماده ۶۳ به استثنای دیگری اشاره نمی‌کند اما ماده ۶۱ اساسنامه^۱ موضوع خاصی را مطرح می‌نماید که قابل توجه است. در بند ۲ ماده ۶۱ تحت شرایطی برگزاری جلسه‌ای موسوم به جلسه تأیید اتهامات^۲ در غیاب فرد را اجازه داده است.

۱. ماده ۶۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «۱- با رعایت بند ۲، بعد از گذشت مدت زمان معقولی از تسلیم شخص به دیوان و یا حضور داوطلبانه وی در آن، شعبه مقدماتی جلسه‌ای را به‌منظور تأیید اتهاماتی که دادستان رسیدگی به آنها را تقاضا کرده برگزار می‌کند. این جلسه با حضور دادستان و شخص مورد تحقیق یا تعقیب و همچنین وکیل وی تشکیل خواهد شد. ۲- شعبه مقدماتی می‌تواند بنا به درخواست دادستان یا رأساً جلسه‌ای را در غیاب ذینفع به‌منظور تأیید اتهاماتی که دادستان رسیدگی به آنها را تقاضا کرده است، تشکیل دهد مادام که که شخص (الف) از حق حضور خود انصراف داده باشد؛ (ب) فرار کرده یا یافت و پیدا نشود و همه اقدامات لازم برای اطمینان از حضورش در دیوان و اطلاع او از اتهاماتی وارده به او و نیز از جلسه‌ای که به‌منظور تأیید آن اتهامات تشکیل خواهد شد، صورت گرفته است. در چنین مواردی، وکیل به نمایندگی از شخص در جلسه حاضر خواهد شد به شرط آن که شعبه مقدماتی این حضور را در راستای اجرای عدالت بداند. [...]»

2. Confirmation des charges

به عبارت دیگر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بر خلاف دادگاه‌های کیفری ویژه یوگسلاوی سابق و رواندا نوعی نظارت قضایی بر اقدامات دادستان در نظر گرفته است که توسط شعبه مقدماتی دیوان اعمال می‌شود (کسسه، ۱۳۸۷: ۵۰۶). دلیل اصلی این نظارت جلوگیری از تصمیمات خودسرانه دادستان و در عین حال پاسخی به اختلافات مربوط به اختیارات دادستان در جریان کارهای مقدماتی و کنفرانس رم ۱۹۹۸ می‌باشد.^۱ تأیید اتهامات در بند ۱ ماده ۶۱ به واقع با حضور دادستان، فرد مورد تحقیق یا تعقیب (مظنون و یا متهم) و وکیل مدافع پیش‌بینی شده اما در بند ۲ موضوع امکان برگزاری غیابی جلسه تأیید اتهامات شخص مربوطه مورد توجه قرار گرفته است. لازم به ذکر است که در ماده ۶۱ همچنان اصل بر حضوری بودن محاکمه است اگرچه این امر به معنای- اخص کلمه محاکمه محسوب نگردد؛ چه اینکه «تأیید اتهامات قبل از محاکمه» در صدر ماده موید چنین امری است. در قضیه دادستان علیه توماس لوبانگو دیالو، شعبه تجدیدنظر اعلام کرد: «حضور متهم در تمامی مراحل دادرسی اساسی است و یک شرط مقدماتی برای برگزاری محاکمه است (بند ۳ ماده ۶۱) هر چند که جلسه تأیید اتهامات می‌تواند در غیاب فرد با توجه به اوضاع و احوال مندرج در بند ۲ ماده ۶۱ برگزار شود و اما باید [همچنان] استثنایی باقی بماند».

اگر چه ماده ۶۳ اساسنامه به هیچ‌وجه به غیابی بودن اشاره نمی‌کند اما بند ۲ ماده ۶۱ واژه در «غیاب ذینفع»^۲ را بکار می‌برد. استفاده از واژه ذینفع بی‌جهت نبوده چه اینکه در این مرحله هنوز اتهامات فرد توسط شعبه مقدماتی به اثبات نرسیده و در واقع فرد مظنون است و در صورت اثبات اتهام توسط آن شعبه متهم محسوب خواهد شد. همان‌طور که شعبه تجدیدنظر بر آن تأکید می‌کند حضور متهم در مراحل دادرسی جنبه اساسی دارد و برگزاری جلسه غیابی به منظور تأیید اتهامات باید امری استثنایی تلقی گردد. غیر از اخلال در جلسه دادرسی مندرج در ماده ۶۳ اساسنامه باید به انصراف از حضور در جلسه دادرسی با میل و اراده متهم اشاره کرد. در بعضی از موارد همان‌طور که در بالا اشاره شد متهم به سبب اخلال در جلسه دادرسی یا حتی به جهت بیماری شخصاً نمی‌تواند در جلسه محاکمه حضور یابد در این صورت عدم حضور متهم کاملاً از اراده و توان وی خارج است. پس می‌توان دو حالت کلی را در مورد عدم حضور متهم به صورت ارادی و غیر ارادی تصور نمود.

در صورتی که متهم از نظر سلامت در وضعیتی باشد که نتواند در جلسه دادرسی شرکت کند در این صورت جلسه رسیدگی به تعویق می‌افتد. بدین منظور شعبه بدوی می‌تواند به تقاضای یکی از طرفین دستور انجام آزمایش پزشکی، روان‌شناسی یا روانپزشکی متهم را بدهد. همچنین شعبه

1. Conférence de Zutphen, 19-30 janvier 1998.

2. Absence de l'intéressé

می‌تواند راساً یا به تقاضای دادستان یا وکیل مدافع تقاضای بررسی مورد متهم را بنماید (Règlement de procédure et de preuve de la CPI, 2013: Règle 135).

انصراف متهم از حضور در جلسه دادرسی با میل و رغبت و آزادی کامل است. رویه قضایی کمیته حقوق بشر عدم حضور متهم با رضایت کامل را پذیرفته است و آن را مغایر با بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی محسوب نمی‌کند و در قضایای متعددی مورد تأیید قرار داده است. کمیته حقوق بشر در قضیه Mbengue c. Zaire اعلام می‌دارد که با وجود پیش‌بینی حق حضور متهم در جلسه دادرسی مطابق با بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، میثاق محاکمه غیابی و بدون حضور متهم را ممنوع نمی‌کند. به عبارت دیگر محاکمه غیابی در مواردی تجویز شده است برای مثال در زمانی که متهم به حد کافی از قبل نسبت به جلسه دادرسی مطلع بوده و تصمیم بگیرد از اعمال حق خود نسبت به حضور در جلسه دادرسی انصراف دهد. اجرای مؤثر حقوق پیش‌بینی شده در ماده مذکور مستلزم اطلاع قبلی متهم از جلسه دادرسی است. بر این اساس در صورت اعلام قبلی جلسه محاکمه به متهم به نحو مقتضی، مشارالیه از حضور در محاکمه خودداری نماید می‌توان چنین تعبیر کرد که وی بر طبق قاعده اقدام به ضرر خود عمل کرده است. طبیعتاً در این موارد دیگر خیلی سخت می‌نماید که بتوان از احکام صادره و خواهی نمود. امکان انصراف و اعراض از حضور در جلسه دادرسی توسط کمیته حقوق بشر تحت شرایط خاص خود به رسمیت شناخته شده است (Tavernier, 1996: 13-14).

رویه قضایی دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا در قضیه ناهیمانان^۱ و دیگران انصراف از حضور در جلسه دادرسی را مورد تأیید قرار داده است. در رای تجدیدنظر دادگاه رواندا ضمن تأیید حضوری بودن متهم در جلسه دادرسی بر مطلق نبودن آن تأکید دارد. دادگاه رواندا با اقتباس و استناد به رویه قضایی مراجع حقوق بشری همچون کمیته حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر^۲ انصراف متهم از حضور در جلسه دادرسی را مورد پذیرش قرار می‌دهد و شرایطی را به این منظور بیان می‌دارد. عمده نکاتی که دادگاه رواندا بر آن تأکید دارد عبارتند از: اول متهم باید نسبت به تاریخ و محل برگزاری جلسه دادرسی و اتهامات وارده به وی آگاه و از قبل به وی اعلام شده باشد. دوم انصراف متهم باید آگاهانه باشد. سوم انصراف متهم باید بدون ابهام (صریح یا ضمنی) باشد. چهارم

1. Nahimana

۲. دیوان اروپایی حقوق بشر اعلام داشت: «نه متن و نه روح ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شخصی را که به میل خود از تضمینات دادرسی منصفانه به صورت صریح یا ضمنی انصراف داده منع نمی‌کند. [...] انصراف از حضور در جلسه دادرسی باید مبهم نباشد و متضمن حداقل تضمینات متناسب با اهمیت آن باشد.» برای اطلاعات بیشتر نک به: CEDH, *Affaire Battisti c. France*, Décision sur la recevabilité (deuxième section), 28796/05, 12 décembre 2006.

متهم نسبت به آثار و تبعات انصراف از حضورش در جلسه دادرسی آگاه باشد (TPIR, Ferdinand, Nahimana, Jean-Bosco, Barayagwiza et Hassan Ngeze (Appellants) (c. Le procureur (Intimé), 28 novembre 2007: para.109).

آنچه مسلم است هر زمانی متهم می تواند از انصرافش نسبت به حضور در جلسه دادرسی عدول کند و اقدام به شرکت در جلسات دادرسی نماید و در هر حال دادگاه باید مطمئن شود که حقوق متهم رعایت و تضمین می شود. طبیعتاً انتخاب وکیل مدافع یکی از ابزارهایی است که می تواند حقوق دفاعی متهم را در این مرحله تضمین نماید.

رویه قضایی دادگاه رواندا و مراجع حقوق بشری می تواند قضات دیوان کیفری بین المللی را در تبیین و تشریح بهتر انصراف از حضور در دادرسی کمک نمایند. انصراف ارادی متهم از حضور در جلسه دادرسی دیوان کیفری بین المللی به نحوی در مورد وضعیت کنیا مطرح گردید. در قضیه روتو و کنیاتا (متهمین حوادث بعد از انتخابات ۲۰۰۷ کنیا) از دیوان کیفری بین المللی تقاضای انصراف از حضور در جلسه دادرسی و یا بهتر بگوییم تقاضای معافیت از حضور مستمر در جلسه دادرسی را نمودند.

انصراف از حضور در دادرسی به معنی این است که از قبل تاریخ و محل جلسه دادرسی به اطلاع متهم رسیده است و با علم به این موضوع از شرکت در جلسه انصراف دهد. در محاکم کیفری بین المللی به منظور تحت الشعاع قرار نگرفتن دادرسی منصفانه قدر متیقن این است که متهم در اولین جلسه دادرسی کیفری شرکت نماید تا شائبه غیابی بودن محاکمه از بین برود. به این جهت موضوع معافیت از حضور مستمر در جلسه دادرسی مطرح گردید. توجیه عدم حضور مستمر در جلسه دادرسی دیوان تحت شرایط خاصی در قضیه روتو و کنیاتا در بدو امر به سبب وظایف و مسئولیت های آن دو پذیرفته شد. با تجدیدنظرخواهی دادستان معافیت از حضور در جلسه دادرسی ملغی گردید. البته آنچه که مورد توجه دیوان کیفری بین المللی قرار گرفت ممنوعیت عدم حضور مطلق و مستمر متهم در جلسه دادرسی بود. در صورت احراز شرایط استثنایی این امکان وجود دارد که متهم بتواند به صورت موردی از حضور در جلسه دادرسی خودداری نماید. توسل به این امر منوط به این است که تمهیدات جایگزین از قبل در دستور کار قرار گرفته باشد و به عبارت دیگر چاره ای جز برگزاری جلسه به صورت غیابی وجود نداشته باشد.

۳. تبیین حضور متهم در جلسه دادرسی و احراز شرایط معافیت از حضور در پرتو قواعد

جدید آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی

قواعد آیین دادرسی و ادله به‌عنوان یکی از منابع و حقوق قابل اعمال است که توسط دیوان کیفری بین‌المللی به‌کار گرفته می‌شود. بند ۱ ماده ۲۱ اساسنامه رم در خصوص حقوق قابل اعمال صریحاً به این موضوع توجه کرده و مقرر می‌دارد: «دیوان در وهله اول، اساسنامه، عناصر جرم و قواعد آیین دادرسی و ادله را به‌کار می‌برد.» علیرغم اینکه در ظاهر اساسنامه و قواعد آیین دادرسی و ادله در یک ردیف ذکر شده‌اند اما بند ۵ ماده ۵۱ اساسنامه در باب تعارض آن دو حکایت از برتری اساسنامه بر قواعد آیین دادرسی و ادله دارد.

در سال ۲۰۱۳ مجمع دولت‌های عضو اصلاحاتی در خصوص ماده ۱۳۴ آیین دادرسی و ادله دیوان به‌عمل آورد که مستقیماً مربوط به حضور متهم در جلسه دادرسی دیوان می‌شود. حضور متهم در جلسه دادرسی را می‌توان از جهات گوناگون مورد توجه قرار داد. قطعاً کاملترین نوع حضور متهم، حضور فیزیکی وی در جلسه دادرسی است. بند ۱ ماده ۶۳ اساسنامه رم بر حضور فیزیکی متهم در جلسه دادرسی خود دلالت دارد و با توجه به بکارگیری فن‌آوری‌های جدید در تمام عرصه‌های حیات انسانی آیا می‌توان از آن در دادرسی کیفری بین‌المللی بهره جست؟ یکی از مهمترین مصادیق این امر به کارگیری ویدئوکنفرانس است. به عبارت دیگر آیا ویدئوکنفرانس می‌تواند خلاء ناشی از حضور فیزیکی متهم در جلسه دادرسی را پر نماید و به منزله دادرسی حضوری متهم در جلسه دادرسی تلقی گردد؟ ماده ۱۳۴ در قالب سه بند به این موضوع پرداخته است. مطابق ماده ۱۳۴/۲ «متهمی که به دیوان احضار شده باشد می‌تواند کتباً از شعبه بدوی بخواهد اجازه دهد تا از طریق ارتباط ویدیویی در یک یا چند جلسه از محاکمه‌اش شرکت نماید.» استفاده از ویدئوکنفرانس می‌تواند جایگزین حضور فیزیکی متهم گردد. چنین امکانی تنها برای متهمانی محدود است که برای آنها احضاریه صادر شده و شامل افرادی که برای آنها قرار جلب صادر شده نمی‌گردد. استفاده از ویدئوکنفرانس به منزله محاکمه حضوری محسوب شده و لطمه‌ای به آن وارد نساخته و آن را تبدیل به محاکمه غیابی نخواهد کرد.^۱ از طریق ویدئوکنفرانس یا سایر وسایل ارتباطی متهم در جریان کم و کیف جلسه دادرسی قرار می‌گیرد و دستورات لازم را به وکلای مدافع خود خواهد داد. چنین رویکردی در قواعد آیین دادرسی و ادله دیوان نشان از نگاه «ارفاقی و ترغیبی بودن همکاری با دیوان» است. (ذاکر حسین، ۱۳۹۶)

۱. در ماده ۶۳ اساسنامه از اصطلاح حضور در جلسه دادرسی (présence à son procès) بجای حضور در مقابل دیوان (présence devant la cour) استفاده کرده است.

حضور می‌تواند به صورت مستمر یا غیرمستمر باشد. همان‌طور که در بالا ذکر شد کاملترین نوع حضور متهم، حضور فیزیکی است. در صورتی که این حضور استمرار داشته باشد هدف موردنظر در بند ۱ ماده ۶۳ اساسنامه رم محقق خواهد شد. البته در صورت بروز شرایط و اوضاع و احوال خاص به تشخیص دیوان و یا به درخواست متهم می‌تواند در برخی از جلسات حضور نداشته باشد. به عبارت دیگر حضور مستمر می‌تواند قطع گردد تا اینکه موانع حضور مرتفع شوند و امکان حضور مجدد متهم فراهم گردد. حضور فیزیکی متهم در صورتی می‌تواند مفید و منشاء اثر باشد که به صورت مؤثر در دادرسی شرکت نماید. در صورتی که متهم در جلسه شرکت نماید و سکوت اختیار کند ماهیت حضور فیزیکی وی را در جلسه دادرسی تغییر نخواهد داد. محاکمه همچنان حضوری تلقی می‌شود و سکوت حق متهم است و می‌تواند در جلسه دادرسی خاموش بماند و هیچ واکنشی از خود نشان ندهد. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در مواد ۵۵ و ۶۷ حق سکوت را مورد شناسایی قرار داده است. به موجب اساسنامه دیوان «متهم مجبور به ادای شهادت یا اعتراف به مجرمیت نیست و می‌تواند سکوت اختیار کند، بدون اینکه این سکوت دلالت بر مجرمیت یا بی‌گناهی او داشته باشد.» شعبه بدوی دیوان کیفری بین‌المللی در قضیه لوبانگو دیالو به موضوع حق سکوت توجه کرد و به آن اهمیت زیادی داد.

(*Décision sur la communication de certains éléments par la défense, 20 mars 2008-para.27*)

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ماده ۶ به حق سکوت اشاره نمی‌کند اما رویه قضایی بین‌المللی (Arrêt J.Murray c. France, Requête, 25 février 1993: para.45) در آرای متعدد این حق را مورد تأیید قرار داده است (Beernaert, Marie-Aude, 2007: 83-84). تصمیم‌گیری در مورد پذیرش درخواست متهم برای مشارکت در جلسه دادرسی از طریق ویدئوکنفرانس با شعبه بدوی است. درخواست متهم جهت حضور از طریق ویدئوکنفرانس به تنهایی کافی نیست و باید شروط دیگری توسط شعبه بدوی احراز گردد. به عبارت دیگر استفاده از این امکان یک اصل و قاعده کلی نیست بلکه به عنوان یک استثناء و معمولاً در صورت احراز ضرورت آن توسط شعبه بدوی به عمل می‌آید.

شعبه بدوی در مورد درخواست متهم مبنی بر عدم حضورش در یک یا چند جلسه از دادرسی تصمیم‌گیری می‌کند. با تحقق شرایط، شعبه بدوی به تقاضای متهم ترتیب اثر می‌دهد و می‌تواند توسط وکلایش در دیوان مورد دفاع واقع شود. ماده ۱۳۴/۳ آیین دادرسی و ادله شرایط مذکور را به این صورت احصاء می‌کند: الف) وجود شرایط استثنایی که این غیبت را توجیه می‌کند. ب) سایر

تدابیر همچون تغییر تاریخ جلسه، تعویق جلسه دادرسی کارساز نباشد. ج) انصراف صریح متهم از حضور در جلسه اعلان شده باشد. د) حقوق متهم به صورت کامل در غیابش تضمین گردد. وجود هر یک از شروط بالا سبب می‌شود تا دیوان بتواند متهم را از حضور در جلسه دادرسی معاف سازد. جمع شروط مذکور لازم نیست و با تحقق هر یک از آنها، شعبه بدوی قادر خواهد بود متهم را از حضور در دادرسی معاف نماید. البته معنا و مفهوم برخی از این شروط همچون وجود «شرایط استثنایی» قدری مبهم می‌نماید و رویه دیوان کیفری بین‌المللی مشخص خواهد ساخت که مراد از شرایط استثنایی چیست؟ به نظر می‌رسد شرایط استثنایی مفهومی عام است و طبیعتاً تفسیر این شرایط و نحوه اعمال آن بر قضیه مورد نظر بر عهده دیوان خواهد بود. تحقق این شرایط ممکن است مربوط به خود متهم باشد و با احراز آن از طرف دیوان امکان معافیت متهم از حضور در جلسه دادرسی فراهم می‌شود. در موردی که متهم به طور صریح از حضور در جلسه دادرسی انصراف داده است مشکل چندانی وجود ندارد چه اینکه مشارالیه با رضایت قلبی و طیب خاطر از شرکت در بخشی از فرآیند دادرسی اعراض می‌کند. غیبت متهم باعث نمی‌شود حقوق وی تضییع گردد چه اینکه رعایت حقوق متهم به صورت کامل در بند آخر مورد تأیید و تضمین قرار گرفته است.

دیوان می‌تواند به ابتکار خود تمهیداتی را بیندیشد و با اعمال آن از غیبت متهم در جلسه دادرسی خودداری کند. تغییر تاریخ جلسه دادرسی و تعویق زمان برگزاری آن جملگی از مواردی است که می‌تواند مورد توجه دیوان قرار گیرد. اگر دیوان بتواند چنین تمهیدی را به کار بندد از عدم حضور وی در جلسه دادرسی خودداری می‌کند. در صورت کافی نبودن این تمهیدات است که دیوان می‌تواند امکان اعمال ماده ۱۳۴/۳ را به منظور عدم حضور متهم در جلسه دادرسی را در دستور کار خود قرار دهد.

البته لازم به ذکر است که شعبه بدوی در مورد تقاضای متهم ضمن لحاظ کردن شرایط مندرج در قواعد آیین دادرسی و ادله، موضوع درخواست متهم را به صورت مورد به مورد بررسی قرار می‌دهد. به عبارت دیگر معافیت از حضور متهم در جلسه دادرسی به صورت محدود و استثنایی و نه به صورت یک قاعده کلی و عام در نظر گرفته خواهد شد.

۴. تطابق قواعد جدید آیین دادرسی و ادله با اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در ارتباط با عدم حضور متهم در جلسه دادرسی

عدم مطابقت قواعد جدید آیین دادرسی و ادله دیوان با اساسنامه از این منظر می‌تواند موضوعات گوناگونی را مطرح کند که در این تحقیق مجال بررسی همه آنها وجود ندارد. هدف اصلی تدوین-کنندگان اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از تأسیس این محکمه مبارزه با بی‌کیفرمانی بوده است. یکی از مصادیق بارز آن عدم توجه به مقام و موقعیت شخصی و شغلی متهم بوده است و اینکه مقام و موقعیت رسمی فرد موجبی برای معافیت از مسئولیت کیفری و عاملی برای تخفیف مجازات نخواهد بود. حال لازم است قواعد جدید آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی در رابطه با متهمانی که مکلف به انجام مشاغل عمومی فوق‌العاده در عالی‌ترین سطح ملی هستند مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

ماده ۱۳۴/۴ آیین دادرسی و ادله دیوان افرادی که دارای مشاغل عمومی فوق‌العاده در عالی-ترین سطح ملی هستند را در وضعیتی قرار می‌دهد که بتوانند در جلسات دادرسی خود حضور نداشته باشند. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا ماده ۱۳۴/۴ می‌تواند با اصل برابری متهم در مقابل دیوان و همچنین با ماده ۲۷ اساسنامه دیوان در تعارض قرار گیرد؟ اصل برابری به کرات در اساسنامه محاکم کیفری از جمله دیوان کیفری بین‌المللی به کار رفته است. اما آنچه مسلم است اینکه اصل برابری متهمان در برابر دیوان لزوماً به معنای رفتار یکسان با تمام متهمان نیست. این اصل تضمین‌کننده یکسری حقوق برای متهمان به منظور تضمین دادرسی منصفانه است.

ماده ۲۷ اساسنامه در دو بند مجزا عدم تأثیر مصونیت در اعمال صلاحیت دیوان در موضوع متنازع فیه و همچنین عدم پذیرش مصونیت به‌عنوان یک دفاع ماهوی دلالت دارد. به‌عبارت دیگر اساسنامه به عدم تأثیر موقعیت شخصی و شغلی در معافیت از مسئولیت کیفری اشاره می‌کند چه اینکه با صراحت اعلام می‌دارد موقعیت رسمی رئیس کشور، دولت، اعضای دولت و پارلمان، نمایندگان منتخب، ماموران دولت در هیچ موردی موجب معافیت از مسئولیت کیفری و تخفیف مجازات نخواهد شد. اگرچه صدر ماده ۲۷ بر اجرای اساسنامه نسبت به همه به‌صورت مساوی و بدون هرگونه تفکیکی مبتنی بر موقعیت رسمی اشاره می‌شود نمی‌توان به ضرس قاطع آن را ناقض اصل برابری متهمان در مقابل دادگاه دانست چه اینکه متهم به دلیل سمت عالی رتبه خود ضمن پذیرش صلاحیت دیوان مایل به انصراف از حضور در جلسه دادرسی باشد.

پر واضح است مشاغل عمومی فوق‌العاده در عالی‌ترین سطح ملی مندرج در ماده ۱۳۴/۴ شامل موارد مذکور در بند ۱ ماده ۲۷ اساسنامه می‌گردد. اما این ماده هیچ اشاره‌ای به این مطلب ندارد که

مرتکب جنایات تحت صلاحیت دیوان آیا قبل از اینکه به این مناصب برسد مرتکب جنایات شده یا در زمانی که دارای این مشاغل است مرتکب جنایات شده باشد؛ به عبارت دیگر هیچ تفکیکی بین قبل و حین صدارت بر مسند قدرت نشده است. نمونه بارز این موضوع را می‌توان در مورد قضایای روتو و کنیانا مشاهده کرد. جنایات ارتكابی ایشان در کنیا مربوط به زمانی است که هنوز به مشاغل عمومی فوق العاده در عالی‌ترین سطح ملی نائل نشده بودند. حال این پرسش طرح می‌گردد که آیا این افراد می‌توانند مطابق ماده ۱۳۴/۴ درخواست عدم حضور در جلسه دادرسی نمایند؟ از مجموع کارهای مقدماتی کمیسیون حقوق بین‌الملل و نظرات برخی دولت‌ها چنین استنباط می‌شود که مراد تدوین‌کنندگان اساسنامه بر این امر است که عدم تاثیر موقعیت رسمی مندرج در ماده ۲۷ بر زمان وقوع جرم و همچنین بعد از آن یعنی در زمان رسیدگی یعنی زمانی که فرد به مناصب مورد نظر دست یابد اعمال خواهد شد.

ارتباط بین ماده ۶۳ و ۲۷ اساسنامه از یکطرف و همچنین مفاد ماده ۱۳۴/۴ آیین دادرسی و ادله دیوان از طرف دیگر از جمله مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد. برای تفهیم بهتر بحث به صورت مشخص به نکات مهم مطروحه در این مقررات خواهیم پرداخت.

ماده ۶۳ حضوری بودن محاکمات در دیوان و ماده ۲۷ عدم تاثیر موقعیت رسمی بر معافیت از مسئولیت کیفری را مطرح می‌سازد. ماده ۶۳ قاعده کلی حاکم بر دادرسی دیوان را بیان می‌کند و اصل را بر حضوری بودن جلسه دادرسی متهم می‌گذارد و هیچ تفاوتی بین متهمین قائل نمی‌شود. اما صدر ماده ۶۷ در باب حقوق متهم به صورت مستقیم و بدون هیچ ابهامی بر «برابری تام» حقوق متهمین برای برخورداری از حداقل تضمین‌های ذیل اشاره می‌کند. ماده ۲۷ هم به همین نحو بر اجرای این اساسنامه بر «همه به صورت برابر و بدون هیچ تفکیکی» مبتنی بر موقعیت رسمی تأکید دارد.

چنین تحلیلی با منطوق و مفهوم سایر مواد اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مطابقت دارد. اصل برابری افراد در مقابل دادگاه در اساسنامه به دو صورت تقویت می‌گردد: رعایت حقوق متهم، حقوق قابل اعمال.

رعایت حقوق متهم به تفصیل در ماده ۶۷ اساسنامه دیوان مورد توجه قرار گرفته است. یکی از مصادیق مندرج در این ماده حضور متهم در جلسه محاکمه خود می‌باشد. حقوق حداقلی مندرج در این ماده به صورت برابر برای کلیه متهمان به اجرا گذاشته می‌شود و هیچ‌گونه تفکیکی از این حیث بین آنها در نظر نمی‌گیرد. پس موقعیت رسمی و مشاغل عمومی فوق‌العاده در عالی‌ترین سطح ملی موجبی برای برتری حقوق و تضمینات بیشتر تلقی نشده است و این موضوع کاملاً با مفاد ماده ۲۷ که بر برابری و عدم تبعیض فارغ از موقعیت رسمی متهم است مطابقت دارد.

دومین مستند بر برابری متهمین فارغ از موقعیت رسمی، حقوق قابل اعمال مندرج در بند ۳ ماده ۲۱ اساسنامه می‌باشد. تدوین کنندگان اساسنامه بر «اجرا و تفسیر حقوق پیش‌بینی شده در این ماده فارغ از هر گونه تبعیض مبتنی بر [...] یا هر وضعیت دیگر توسط دیوان کیفری بین‌المللی اشاره می‌کند.

حال این پرسش مطرح می‌گردد که آیا ماده ۱۳۴/۴ در تعارض با اصل برابری متهم در مقابل دیوان نخواهد بود؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان با استفاده از مفاد این مقرر بر خلاف مفاد ماده ۶۳ اساسنامه این امکان را برای متهمینی که دارای مشاغل عمومی فوق العاده در عالی‌ترین سطح ملی هستند، فراهم کرد؟

ظاهر ماده ۱۳۴/۴ آیین دادرسی و ادله دیوان دلالت بر پذیرش استثنایی بر اصل حضوری بودن متهم دارد. تغییر آیین دادرسی دیوان در سال ۲۰۱۳ در چارچوب ارجاع وضعیت کنیا توسط دادستان دیوان کیفری بین‌المللی حکایت از مسائلی دارد که بی ارتباط با تعقیب رئیس جمهور و معاون رئیس جمهور کنیا نیست.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد اساسنامه دیوان همانند اساسنامه سایر محاکم کیفری بین‌المللی در پی حذف و الغای مصونیت روسای کشور و دولت به‌خاطر ارتکاب جنایات بین‌المللی است. عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص وضعیت سودان و قضایای مربوط به دارفور و تعقیب عمرالبشیر رئیس‌جمهور سودان گویای این واقعیت است.

جلسه دادرسی به دلایل عدیده‌ای می‌تواند به صورت غیابی برگزار شود. اگرچه اساسنامه دیوان اصل را بر حضوری بودن متهم در جلسه دادرسی گذاشته است اما این به این معنا نیست که دیوان به صورت مطلق غیابی بودن جلسه رسیدگی را منکر شده است. اما دیوان در بند ۲ ماده ۶۳ تنها به یک استثناء و آن هم اخلال در جلسه دادرسی اشاره می‌کند و از ذکر سایر موارد خودداری کرده است.

لازم به ذکر است اسناد بین‌المللی دیگر موضوع حاضر بودن متهم در جلسه دادرسی را پیش‌بینی و در کنار آن استثنائات وارد بر اصل را ذکر کرده‌اند در هیچ کدام موقعیت رسمی و مشاغل عمومی فوق‌العاده در عالی‌ترین سطح ملی را به‌عنوان یک استثناء لحاظ نکرده‌اند. پس موقعیت رسمی نمی‌تواند عاملی برای عدم حضور متهم در جلسه دادرسی باشد. بندهای ۴ و ۵ ماده ۵۱ اساسنامه مطابقت قواعد آیین دادرسی و ادله با اساسنامه دیوان را ضروری می‌داند. در بازنگری قواعد آیین دادرسی و ادله باید به مفاد اساسنامه توجه کرد و در صورت تعارض بین آنها قضات دیوان از اجرای قواعد جدید که مطابق با اساسنامه نیست خودداری می‌کنند.

پرسش دیگری که در باب قواعد آیین دادرسی و ادله دیوان مطرح می‌شود این است که آیا ماده ۱۳۴/۴ یکی از مصادیق اوضاع و احوال استثنایی مطروحه در ماده ۱۳۴/۳ به‌منظور غیابی برگزار شدن جلسه دادرسی محسوب نمی‌شود؟ به عبارت دیگر آیا موقعیت خاص و ماموریت‌هایی که افراد در قالب مشاغل عمومی انجام می‌دهند از مصادیق اوضاع و احوال استثنایی محسوب نخواهد شد تا فرد بتواند در جلسه دادرسی شرکت نکند؟

با توجه به اصل برابری متهمین در مقابل دادگاه مندرج در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و تفاسیر بعمل آمده از آن چنین به نظر می‌رسد که تدوین ماده ۱۳۴/۴ تحت شرایط خاص صورت پذیرفته و با وجود پذیرش اولیه آن توسط شعبه بدوی دیوان در قضایای روتو و کنیاتا به‌منظور عدم حضور متهمان در جلسه دادرسی، بعداً مورد اعتراض دادستان دیوان قرار گرفت و دفاعیات وکلای مدافع هم رد گردید. وکلای مدافع عمدتاً بر این نکته تأکید داشتند که متهم از حضور مداوم در جلسه دادرسی معاف است و حضور ضرورتاً به معنی حضور فیزیکی نیست و به لطف ویدئو کنفرانس شرکت در جلسه دادرسی ممکن خواهد بود. دادستان دیوان چنین استنباطی از بند ۱ ماده ۶۳ اساسنامه نداشتند و معتقد به حضور فیزیکی متهم بودند. شعبه بدوی تلاش کرد بین دلایل مختلف در خصوص حضور متهم توازن ایجاد کند. شعبه بدوی در عین حالی که حضور را اصل تلقی کرد در مورد مشاغل مهم با توجه به اوضاع و احوال و به صورت مورد به مورد با عدم حضور موافقت کرد. به عبارت دیگر این عدم حضور مربوط به همه جلسات رسیدگی نخواهد بود و تنها به منظور سهولت و راحتی در انجام وظایف شغلی می‌باشد و به هیچ‌وجه برای وی مصونیت ایجاد نمی‌کند.

شعبه تجدیدنظر دیوان نتیجه گرفت که به موجب بند ۱ ماده ۶۳ اساسنامه، شعبه بدوی اختیار برقراری جلسه دادرسی بدون حضور متهم را دارد اما این اختیار نامحدود نیست. غیبت متهم در جلسه دادرسی تنها با توجه به اوضاع و احوال استثنایی مجاز است و محدود به زمان ضرورت است. تجویز دادرسی بدون حضور متهم باید مورد به مورد بررسی گردد و جنبه استثنایی خواهد داشت. در واقع نگرانی شعبه تجدیدنظر از این است که غیبت متهم در دادرسی اصل و حضور وی به‌عنوان استثناء تلقی شود. به همین جهت نیز عدم حضور متهم در دادرسی را تنها برای زمانی ممکن می‌داند که تدابیری همچون تغییر تاریخ جلسه ممکن نباشد. عدم حضور تنها برای اوضاع و احوال استثنایی است و منحصرأً محدود به موارد ضروری است. در پایان به این نکته تأکید می‌کند که در زمان غیبت حقوق متهم به‌صورت کامل باید رعایت شود.

دیوان در این قضیه النهایه بر حضور روتو و کنیاتا در جلسات دادرسی رای داد.^۱ با توجه به مفاد اساسنامه و آخرین تصمیمی که دیوان اتخاذ کرد سخت می‌نماید پذیرفت که ماده ۱۳۴/۴ استثنایی جدی بر قاعده کلی حاضر بودن متهم در جلسه دادرسی مندرج در ماده ۶۳ اساسنامه باشد. چنین برداشتی کاملاً با فقدان تبعیض بین متهمین در اجرای اصل برابری افراد در مقابل دیوان منطبق است. از طرف دیگر اعمال اصل برابری متهمین در مقابل دادگاه قوام بخش محاکم کیفری بین‌المللی از جمله دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

حضور متهم در جلسات دادرسی یکی از مهمترین معیارهای دادرسی منصفانه است. در عین حال ذکر این نکته هم لازم است که تحت شرایط خاص و بعضاً در راستای رعایت حقوق متهم استثنائاتی بر این حضور وارد می‌شود. آنچه مسلم است دادرسی حضوری اصل و دادرسی غیابی استثنایی بر اصل مزبور محسوب می‌شود. پذیرش استثنایی دادرسی غیابی در محاکم کیفری موجهی برای زیر پا گذاشتن حقوق متهم نیست چه اینکه با بکارگیری سازکارهای حمایتی دیگر مثل انتخاب وکلای مدافع، دفتر دفاع از حقوق متهم و امکان برگزاری مجدد جلسه دادرسی در موارد محدود، حقوق مشارالیه به نحو مؤثر و مقتضی تضمین می‌شود. دیوان کیفری بین‌المللی به صورت مشخص اصل را بر دادرسی حضوری گذاشته است و در قالب رعایت حقوق متهم مجدداً بر حاضر بودن متهم در جلسه دادرسی صحه می‌گذارد. قواعد جدید آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری، غیابی بودن محاکمه را تجویز نمی‌کند بلکه شرایطی را فراهم می‌سازد تا متهم بتواند از شرکت در برخی جلسات دادرسی به صورت محدود معاف شود. به لطف فن‌آوری جدید و تضمینات دیگر نمی‌توان بر غیابی بودن محاکمه به طور مطلق مهر تأیید زد. در مقام مقایسه دیوان کیفری بین‌المللی با دادگاه ویژه لبنان ایرادات زیادی از این حیث قابل طرح است. یکی از بارزترین این ایرادات عدم تحویل متهم به دادگاه ویژه لبنان توسط دولتی که متهم در آنجا حضور دارد. این امر امکان برگزاری محاکمه غیابی را فراهم می‌سازد. امری که کاملاً از اختیار متهم خارج است. در صورتی که واقعاً متهم خود خواهان شرکت در جلسه دادرسی باشد و دولت محل اقامت متهم مایل به تحویل وی نباشد نمی‌توان از رعایت موازین حقوق بشر در مورد متهم مزبور سخن راند.

۱. البته لازم به ذکر است که دیوان کیفری بین‌المللی در ۵ دسامبر ۲۰۱۴ تصمیم به لغو اتهامات وارده به کنیاتا گرفت. دادستان دیوان اعلام کرد که اسناد و شواهد کافی برای اثبات مسئولیت کیفری وی وجود ندارد؛ با این حال در صورت کسب موارد جدید ممکن است دوباره او به دادگاه احضار شود. برای اطلاعات بیشتر نک به: ICC, The Prosecutor v. Uhuru Muigai Kenyatta, 5 December 2014.

رعایت تضمینات حقوق بشری متهم در فرآیند کیفری به این اعتبار به کلی از ید متهم خارج است و نمی‌توان آن را منصفانه تلقی کرد.

اما قواعد جدید آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی به صورت مشخص شرایطی را فراهم کرده است تا متهم بتواند از شرکت در یک یا چند جلسه از دادرسی معاف گردد. با توجه به آنچه که گذشت مشخص شد که دیوان با تدوین قواعد جدید در تلاش است گوشه‌ای از زوایای مبهم معنا و مفهوم دادرسی حضوری مندرج در ماده ۶۳ اساسنامه خود را معین نماید.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی منظومه‌ای از حقوق و تکالیف را پیش‌بینی می‌کند که منافع متهم، قربانی، شهود و در نهایت جامعه بین‌المللی در آن مطرح است. پیش‌بینی درخواست معافیت از حضور توسط متهمین دارای مناصب و مشاغل عمومی فوق‌العاده در عالی‌ترین سطح ملی مندرج در ماده ۱۳۴/۴ آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی به نظر می‌رسد به نحوی در تعارض با موضوع و هدف اساسنامه رم ۱۹۹۸ و همچنین اصل برابری متهمین در مقابل دیوان باشد. اما واقعیت امر این است که پیش‌بینی چنین ابتکاری در حوزه‌ی حقوق بین‌الملل کیفری می‌تواند در راستای بهبود و کارآمدی آیین‌های رسیدگی دیوان موثر باشد.

غیر از معافیت متهم از شرکت در یک یا چند جلسه دادرسی باید به محاکمه غیابی آن گونه که طرفداران آن می‌گویند هم توجه کرد. پیش‌بینی امکان محاکمه غیابی تحت شرایط خاص می‌تواند به حل مشکلات و چالش‌هایی که دیوان برای رسیدگی به جنایات آن دسته از متهمان بین‌المللی که از سمت عالی برخوردارند و از حضور در دیوان امتناع می‌ورزند کمک نماید. بی‌تردید، عدم تحویل متهمینی همچون عمرالبشیر می‌تواند در عمل اعتبار محکمه‌ای مثل دیوان کیفری بین‌المللی را به چالش بکشد و در نتیجه با عدم اجرای عدالت نسبت به مرتکبین جنایات شدید و گسترده شاهد تضییع حقوق قربانیان خواهیم بود. پس همان قدر که حقوق متهمین در پیشگاه دادگاه اهمیت دارد برابری حقوق قربانیان نیز ارزشمند است و باید از حقوق آنها دفاع کرد. لذا اصرار بر محاکمه حضوری نباید منتهی و به قیمت از دست رفتن کل حقوق قربانیان گردد. با این اوصاف باید اذعان داشت که پیش‌بینی امکان محاکمه غیابی تحت شرایط و اوضاع و احوال خاص قضیه می‌تواند در بعضی موارد مفید باشد و یقیناً چنین رویکردی در راستای حقوق قربانیان نیز خواهد بود.

با تدوین ماده ۱۳۴/۳ عملاً این امکان برای تمامی متهمین از جمله متهمین دارای مشاغل عمومی فوق‌العاده در سطح ملی فراهم گردید تا با استناد به «وجود شرایط استثنایی» از دیوان درخواست معافیت از حضور در جلسه دادرسی نمایند. اما مجمع دولت‌های عضو دیوان کیفری بین‌المللی ترجیح داد تا با تدوین ماده ۱۳۴/۴ به صورت جداگانه متهمین دارای مشاغل عمومی فوق-

العاده در سطح ملی را از سایر متهمین تفکیک نماید. شاید به نظر رسد به نحوی بین متهمین ارتکاب جنایات تحت صلاحیت دیوان قائل به تفکیک شده که هم با متن و هم با روح اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در تعارض است. اصل برابری متهمان در پیشگاه دادگاه اهمیت زیادی دارد و لزوماً به معنای رفتار یکسان با تمام متهمان نیست بلکه تضمین‌کننده یکسری حقوق در چارچوب دادرسی منصفانه است.

به هر حال تدوین چنین ماده‌ای در آیین دادرسی و ادله دیوان به نظر بعضی ناقض اصل برابری متهمان در مقابل دیوان است و اجرای آن بدو در قضایای روتو و کنیاتاً مشاهده شد تا رئیس جمهور و معاون رئیس جمهور کنیا به سبب مشاغل عمومی فوق‌العاده در عالی‌ترین سطح ملی از حضور در جلسه دادرسی معاف شوند. این امر دیری نپایید و با اعتراض دادستان و تصمیم دیوان متوقف گردید.

هسته مرکزی چنین بحثی را باید در «حق» یا «تعهد» بودن شرکت در جلسه دادرسی جستجو کرد. اگر آن را حق بدانیم در نتیجه با اعراض و انصراف متهم از حضور در جلسه دادرسی روبرو خواهیم بود و اگر آن را تعهد بدانیم وضعیت متفاوت خواهد بود. نگارش ماده ۶۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و ماده ۱۳۴/۴ قواعد آیین دادرسی و ادله آن دلالت بر تعهد متهم بر حضور در جلسه دادرسی دارد. در هر حال تدوین ماده ۱۳۴/۴ قواعد آیین دادرسی و ادله دیوان چه ناشی از برتری سیاست بر حقوق باشد و چه غیر آن تحقیقاً می‌توان گفت که مجمع دولت‌های عضو دیوان کیفری بین‌المللی علیرغم وجود معیار «شرایط استثنایی» مندرج در ماده ۱۳۴/۳ قواعد آیین دادرسی و ادله ترجیح دادند متهمین دارای مشاغل عمومی فوق‌العاده در سطح ملی را به صورت جداگانه بیاورند و از سایر متهمین تفکیک نمایند. چنین رویکردی به واقع جمله معروف جورج اورول در رمان مزرعه حیوانات را البته با قدری دخل و تصرف به ذهن متبادر می‌سازد که: «همه متهمین با هم برابرند اما برخی از آنها برابرترند.»

منابع

- آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۸۹)، «دادرسی غیابی در امور کیفری؛ مبانی و دلایل»، **مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز**، دوره ۲، شماره ۱، ص ۱-۲۵.
- بیگ زاده، ابراهیم (۱۳۸۸)، «دادگاه ویژه لبنان: گامی در راه گسترش مبارزه با بی‌کیفری»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۴۹، ص ۱۴۵-۱۸۵.
- ذاکر حسین، محمد هادی (۱۳۹۶)، «روایت تاریخی آغاز و فرجام محاکمه غیابی در دیوان کیفری بین‌المللی» تاریخ رجوع ۱۳۹۶/۵/۲۹، <http://www.isariintl.com>.

- کدسه، آنتونیو (۱۳۸۷)، **حقوق کیفری بین‌المللی**، ترجمه حسین پیران، اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی، تهران: انتشارات جنگل.
- کیتی شیایزری، کریانگ ساک (۱۳۸۳)، **حقوق بین‌المللی کیفری**، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: انتشارات سمت.
- گلدوست، رجب (۱۳۹۵)، **آیین دادرسی کیفری**، تهران، انتشارات جنگل.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶)، «به دنبال عدالت کیفری کرامت مدار»، **ویژنامه همایش قوه قضاییه و حقوق شهروندی**، ص ۸-۹.
- Ascensio, Hervé et Maison, Rafaelle (2009), «L'activité des juridictions pénales internationales 2008-2009», **AFDI**, vol. 55 : 331-391.
- Bassiouni, Cherif (2002), «L'expérience des premières juridictions pénales internationales» **in droit international pénal**, sous la dir. Ascensio, H., Decaux, E., Pellet, A., paris, pedone, pp. 635-659.
- Bernaert, Marie-Aude (2007), «La recevabilité des preuves en matière pénale dans la jurisprudence de la cour européenne des droits de l'homme», **Revue trimestrielle des droits de l'homme**, n. 69 : 81-105.
- CEDH (2006), **Affaire Battisti c. France**, 12 décembre 2006.
- CEDH, (1993) **Arrêt J. Murray c. R.U.**, 8 février 1993.
- CEDH, (1993) **Arrêt Funke c. France**, 25 février 1993.
- CPI (2008), **Le procureur c. Thomas Lubanga Dyilo**, chambre de première instance I, Décision sur la communication de certains éléments par la défense, 20 mars 2008.
- CPI (2007), **Le procureur c. Thomas Lubanga Dyilo**, chambre de première instance I, Décision relative aux procédures applicables aux démarches accomplies *ex parte*, 6 décembre 2007.
- Fernandez, Julian et Pacreau, Xavier (2012), **Statut de Rome de la Cour pénale internationale-commentaire article par article**, tome II, paris, pedone.
- Hubrecht, Joel (2016), «Le Tribunal spécial pour le Liban: dix ans après» in Julian Fernandez, **Justice pénale internationale**, CNRS Edition, pp. 241-261.
- ICC (2014), **The Prosecutor v. Uhuru Muigai Kenyatta**, 5 December 2014.
- Keita, Xavier, Fourçans, Claire, Masselot, Marjorie, Preira, Daniel Didier, Mbaye, Abdoul Aziz et Shoamanesh, Sam Sasan (2012), «**Commentaire article 67**» in Statut de Rome de la Cour pénale internationale-commentaire article par article, Julian Fernandez et Xavier Pacreau (sous la dir.), tome II, paris, pedone, pp. 1497-1543.
- Lelarge, Aurelia (2007), «Le Tribunal spécial pour le Liban», **AFDI**, vol. 53 : 397-428.

- Meron, Teodor (1989), **Human Rights and Humanitarian Norms as Customary Law**, Oxford University Press, Oxford.
- Mignot-Mahdavi, Rebecca (2014), **L'impact sur le procès pénal de l'absence des accusés dotés d'une qualité officielle**, Mémoire présenté à l'Université de Paris ouest Nanterre la défense.
- Preira, Daniel Didier, Mbaye, Abdoul Aziz et Shoamanesh, Sam Sasan (2012), «**Commentaire article 63**» in Statut de Rome de la Cour pénale internationale-commentaire article par article, Julian Fernandez et Xavier Pacreau (sous la dir.), tome II, Paris, Pedone, pp.1423-1442.
- Règlement de procédure et de preuve de la CPI** (2013).
- Règlement de procédure et de preuve de TSL** (2017).
- Statut de Rome** (1998).
- Statut du tribunal spécial pour le Liban** (2007).
- Tavernier, Paul (1996), «Le droit à un procès équitable dans la jurisprudence du Comité des droits de l'homme des Nations Unies», **Revue trimestrielle des droits de l'homme**, n.25:3-22.
- TPIR (2007), **Nahimana, Ferdinand, Barayagwa, Jean-Bosco, Ngeze et Hassan Ngeze (Appelants) c. Le procureur (Intimé)**, ICTR-99-52-A, 28 novembre 2007.
- TPIR (2007), **Ferdinand, Nahimana, Jean-Bosco, Barayagwiza et Hassan Ngeze (Appelants) c. Le procureur (Intimé)**, ICTR-99-52-A, 28 novembre 2007.
- TPIY (1997), **Le procureur c. Tihomir Blaskic**, Arrêt relatif à la requête de la République de Croatie aux fins d'examen de la décision de la Chambre de Première Instance II rendue le 18 juillet 1997 et 29 octobre 1997.
- TPIY (2004), **Milosevic c. Le procureur, Décision de la Chambre d'appel**, IT-02-54-AR73.7, 1 novembre 2004.
- TPIY (2003), **Le procureur c. Milosevic**, Décision de la Chambre de première instance, IT-02-54-T, 4 avril 2003.